

ترجمه خوب و ترجمه بد

ایرج افشار

عده کتاب‌هایی را که در یک سال در ایران نشر می‌شود میان هزار و هزار و دو بیست می‌توان تخمین کرد. از این مقدار کتاب، تعدادی کتاب‌های درسی و تعدادی کتاب‌های تجدید چاپی و تعدادی انتشارات دولتی و رسمی است. آنچه می‌ماند در حدود ششصد جلد است و این کتاب‌ها را اصولاً به سه نوع، ۱- متون زبان فارسی ۲- تألیفات ۳- ترجمه‌ها باید ممتاز ساخت.

متون زبان فارسی آن کتاب‌هایی است که بیش از عصر ما تألیف شده است و آنها را به مناسبت فواید لغوی یا ادبی یا تاریخی با تصحیح و تعلیق و تحشیه طبع می‌کنند و حساب هر یک روشن است.

در زمینه تألیف آثار جاندار و ثمربخش و با ارزش سخت کمیاب است و ندرت تألیفی نشر می‌شود که واجد خصوصیات یک تألیف درست و صحیح باشد. ضعف تألیف (چه در نوشته‌های ادبی و چه در کتاب‌های علمی و اجتماعی) آفت بسیار بزرگی است که ما در خود گرفته است و سرچشمه‌های ذوق و اندیشه را کم می‌خشکاند. بیشتر تألیفاتی که نشر می‌شود نمودار خام مغزی و سست‌مایگی است و شیوه اندیشیدن و میزان بینش ما را درین دوران می‌نمایاند.

به سبب وجود «ضعف تألیف» از سال‌ها پیش که موضوع رجعت ترجمه یا تألیف بیش آمد عقیده اهل صواب و نظر بدین جا رسیده که ترجمه بر تألیف برای ما ارجح است...

اینک دوران ترجمه است. هر روز کتاب تازه‌ای از زبانی بیگانه به فارسی نقل می‌شود و اصل بسیاری از کتابها سودمند و معتبرست. اما افسوس که درین طریق نیز آفتی ناگوار که زیانش کم از ضعف تألیف نیست در کار نشر کتاب پدید آمده است. این آفت دردبخش سرمایه‌سوز را «ضعف ترجمه» باید خواند. میزان ترجمه‌های بد و ناپسند بیش از ترجمه‌های خوب و پسندیده است. وقت و هوش و سرمایه و ذوق بر سر ترجمه می‌رود اما حاصل درست به دست نمی‌آید. درین راه ناشران را وظیفه‌ای گران در عهده است و بر آنهاست که نیک و بد را بسنجند و از چاپ کردن ترجمه‌های بد پرهیز کنند.

در این صفحات دو ترجمه خوب و بد - که هر دو را مؤسسه انتشارات فرانکلین فراهم آورده است - به خوانندگان دقیق یغما می‌شناسانم و فرصت را مغتنم می‌شمارم که توجه مؤسسه مزبور را بدین معنی جلب کنم که دریغ است قلم استادانه علی محمدخان عامری، احمد آرام و احمد بیرشک و... با قلم‌های ناپخته... در یک طراز قرار گیرد... سخن سر بسته هوشمندان را کفایت می‌کند.

تاریخ جهان برای خردسالان

تألیف و م. هیلیر - ترجمه مصطفی مقریبی

کتابفروشی دانش - رقعی - بیست و پنج + ۵۰۱ ص

تألیف کتاب به زبانی که باب طبع کودکان افتد کاری آسان نیست. درین مرحله است که زبان کودکی باید گشاد تا مقصود حاصل آید. برای رسیدن به این مراد همواره دو نکته باید مورد نظر مؤلف باشد، یکی ساده آوردن موضوع و مطلبی که قصد بیان آن در میان است و دیگر سادگی و روانی شیوه نگارش و به کار بردن لغات مانوس و کودکانه.

در زبان کهن فارسی نثری که کودکان را به کار آید نوشته‌ایم. اگر کودکان و خردسالان کتابی می‌خوانند تقریباً از همان نوع کتاب‌ها بوده است که بزرگان و خردمندان نیز می‌خوانده‌اند. داستان‌های امیر حمزه و حسین کرد و بومسلم نامه و سمک عیار را هم بیشتر بزرگ‌ترها می‌شنیده‌اند و می‌خوانده‌اند و از آنها تمتع بر می‌گرفته‌اند.

درین پنجاه سال اخیر که با تمدن فرهنگی آشنایی گرفته‌ایم تا حدی به مقام ارزش خردسالان و کودکان پی برده‌ایم و وسائل مادی و معنوی آنان را فراهم آورده‌ایم...

درین طریق کتاب از مهمترین و سبب است که کودک باید با آن بالیده شود و شور و شوق خواندن در نهادش مضمحل افتد. کتابی که به دست کودکان می‌رسد از همه حیث باید «شسته و رفته» و نمونه کتاب خوب باشد. مطلبش و زبانش باید درست و بسی عیب و روشن و ساده باشد، چاپش و صحافی‌اش و تصویرهایش و رنگ‌هایش باید از هر زشتی و ناهمواری و بی‌حالی و بدرنگی بدور باشد. تا کتاب خردسالان ازین خصایص برخوردار نباشد ذوق و حال خواندن در کودک پرشور نکته‌یاب تند ذهن بیدار نمی‌شود... به بازی می‌گراید و به کتاب دل نمی‌بازد.

به همین مناسبات است که فرنگیان توجه خاص و بحتی درباره کتاب‌های اطفال نشان می‌دهند. مؤلفان کتب اطفال قلمی دیگر و فکری دیگر دارند و پند مولانا را که «پس زبان کودکی باید گشاد» به کار بسته‌اند. ظاهر کتاب کودکان چندان دلاویز و خوشنما و گیراست که کودک را به یک نظاره شیفته و خواستار می‌سازد. باطنش هم خسته‌کننده و بد عبارت و بی‌تصویر یا بد تصویر نیست تا او را برماند و گریزان کند.

کتاب‌هایی که تا چند سال پیش ازین در زبان فارسی برای کودکان چاپ می‌شد کمتر واجد خصایصی که برشمردیم بوده است. خوشبختانه همت و کوشش مؤسسه انتشارات فرانکلین درین راه مؤثر افتاده و عنایت و توجه خاصی باین رشته مبذول داشته است که ثمرات آن کتاب‌های حقیقه‌ممتاز «علوم به زبان

ساده» (ترجمه استادانه علی محمد عامری) و «تاریخ جهان برای خردسالان» است که درین مقاله از آن سخن خواهیم گفت.



تاریخ جهان برای خردسالان اثر نویسنده‌ای امریکایی است. کتاب را برای خردسالانی نوشته است که خواندن را نیک آموخته‌اند و ذهنشان باید با مقدمات تاریخ اقوام و ملل مختلف و رویدادهای مهم جهان آشنایی گیرد و سیر تاریخ تمدن و وقایع عالم را دریابند. اما چون نویسنده امریکایی کتاب را برای خردسالان دیار خویش نوشته توجه و عنایتش بیشتر معطوف به حوادث و وقایعی بوده است که در تمدن امریکا و فرهنگ و تاریخ و ادب آن مملکت مؤثر افتاده است. مترجم به همین سبب در مقدمه کوتاه خویش خواننده را باین نکته توجه می‌دهد که کتاب را «در حقیقت در حکم تاریخ اروپا برای خردسالان ایرانی باید دانست.»

چنین کتاب برای نوجوان ایرانی و حتی سالمندان هم بسیار ارزنده است. چرا که کتاب‌های تاریخ عالم که در این سی و چهل سال اخیر توسط ایرانیان تألیف شده بدان شیوه و روش نیست که خواننده و آموزنده را به خود بکشد و رؤوس وقایع و به خصوص اهمیت و تأثیرات حوادث مهم را در اقوام و ملل جهان روشن سازد.

مؤلف امریکایی درباره غرض خویش می‌گوید که غرض آن است تا «کودک را از آنچه بیش از زادن او در جهان روی داده است آگاه سازیم و نکته مهمتر آن که «دامنه دید او را وسیع‌تر کنیم.»

در نخستین باب این کتاب چگونگی پدید آمدن جهان خاکی و در باب دوم شیوه زندگی کردن مردمان بیش از تاریخ و در باب سوم زمان کشف آتش مورد سخن است.

در فصل‌های جدی وقایع مهم تاریخی یکی پس از دیگری بحث و نتایج و حقایق هر یک آنچنان که در خور فهم و درک کودک است تحقیق و تجزیه می‌شود.

وقایع مهم تاریخی کم و بیش روشن است که چیست و هر مورخی می‌داند که کدام وقعه را باید ضبط کرد و کدام را باید گذاشت و گذشت. اما آن نکته‌ای که درست روشن نیست و بیان آن به نحوه درست کار هر نویسنده‌ای نیست این مساله است که در یک کتاب پانصد صفحه‌ای درباره جنگ‌های ایرانیان و یونانیان با جنگ‌های ناپلئون یا جنگ جهانی اول با بنیاد گرفتن حکومت مشروطه انگلیس و اهمیت فکری و سیاسی آن به چند صفحه می‌توان بسنده کرد تا حق موضوع ادا شده باشد. شاید به گمان ما جنگ‌های تاریخی و افتخارآمیز ایرانیان که منجر به شکست یونانیان شد مهمتر از سیر حکومت مشروطه انگلیس و تأثیر سیاسی و فکری آن در شرق و غرب جهان باشد. اینجاست که کاری گران و دشوار در عهده مؤلف منصف می‌افتد و او را به موشکافی و داوری بر می‌انگیزد تا مطلبی را بی‌حجت و برهان بر مطلبی دیگر مرجع ندارد.

به گمان من در کتاب تاریخ جهان برای خردسالان به نسبتی کافی این نکته دقیق رعایت شده تا آنجا که در اواخر کتاب فصلی به «اتحاد جمهوری‌های شوروی» اختصاص داده شده است.

نکته باریک و بسیار مؤثر دیگری که گوهری کمیاب است و در مورخان همه عهد کمتر دیده می‌شود دور ماندن تاریخ‌نویس از تعصب و حمایت نکردن از اندیشه فلسفی یا دینی یا اجتماعی خاص است.

در کتاب حاضر اگرچه محیط نویسنده را تحت تأثیر قرار داده و او را وادار کرده است تا در پاره‌ای از مباحث به نقد پردازد و سخن انتقادآمیز بیاورد. اما این نکته مهم است که فرزندان امریکایی را با دقایق سیاسی و فکری عصر کنونی مأنوس می‌سازند و ذهن آنان را آماده می‌کنند تا آمادگی برای نقد و بحث مسائل روز را داشته باشند و بی‌دلیل و برهان از فلان مسلک یا مذهب ترسان و گریزان نباشند و در میدان منطق و مباحثه سست اندیشه و خام سخن نیفتند. پس مؤلف امریکایی آزادست که در کتاب خود بابی برای بحث در شیوه حکومت و روش سیاسی و اجتماعی مملکت اتحاد جماهیر شوروی باز کند و خردسالان دیار

خویش را که مدیران آینده مملکت هستند با این نحوه از کشورمداری آشنا کند و نیک و بد آن را برای آنان بازگوید. مؤلف اگر ناتراشیدگی و استبداد این شیوه حکومت را به سختی انتقاد می‌کند اما حقیقت را هم پنهان نمی‌کند و بی‌پرده به خردسال امریکایی می‌آموزد که:

«نخست، دوران پس از انقلاب بسیار مصیبت‌بار بود. بسیاری از رنج‌گرسنگی جان سپردند و بسیاری دیگر که مخالف مذهب اشتراکی بودند تیرباران شدند. اما روز بروز مدرسه‌ها ساخته شد و این خودکاری سودمند بود زیرا در فرمانروایی تزارها مردمانی اندک می‌توانستند به مدرسه بروند. بینوایان این زمان هم بینوا بودند. اما احساس می‌کردند که میان این بینوایی تا بینوایی دوران فرمانروایی تزارها که هیچگونه امیدی به بهبود زندگی نداشتند فرقی بزرگ است.»

همین اختصاصات است که سبب برتری کتاب مورد بحث بر کتاب‌هایی است که ما برای «خردسالان» خود نوشته‌ایم.... پس این کتاب برای آموختن تاریخ به دانش‌آموز ایرانی سودمندست و می‌شود از معلمان تاریخ خواست تا همین کتاب را متن درس خود قرار دهند.



اینک پردازیم به چگونگی ترجمه کتاب، این ترجمه اثر مصطفی مقربی دوست ارجمند و دانشمند من است. میزان دقت قریب به وسواس و مایه دانش و بینش دوست خود را نیک می‌دانم و می‌دانم که در نوشتن هر لفظ را نیک می‌سنجد و هر جمله را چندان بیش و پس می‌کند تا کمترین نادرستی در آن روی ندهد و لغتی در جای ناپسند و در غیر معنای خویش نیاید و جمله‌ای نارسا و بدآهنگ نباشد. دریغ من اینست که مردی سخن‌آور و درست‌نویس که نشری بدین خوش بیانی و روانی و خوش آهنگی و پرمایگی می‌نویسد و در ترجمه رعایت امانت و صحت را می‌کند چرا این مایه کوشش و رنج را برای کتابی در خور پایه خویش به کار نبرده است.

به جز این ایراد من بر او اینست که دانش‌آموزان امروز ما این نشر پخته

خوش لفظ را درست فهم نمی‌کنند و نوشته‌ای را که همسنگ و هم‌رنگ نوشت‌های روزنامه‌ها و کتاب‌های درسی آنها نباشد نمی‌پسندند. این ایراد را باید بدین صورت آورد که نثر ترجمه کتاب تاریخ برای خردسالان باید نظیر و شبیه نثری باشد که مؤلف انگلیسی برای خوانندگان خویش انتخاب کرده است. وگرنه در میان متن‌های کهن زبان فارسی گردیدن و لغت‌های زیبای دور مانده یافتن و در نثری که برای پانزده شانزده سالگان است به کار آوردن کاری درست نیست. تنها سخن من بر سر لغت نیست، در شیوه نگارش و جمله‌بندی نیز مراعات همین نکته اساسی واجب است.

در نام کتاب هم به گمان من مختصر ایرادی هست و آن در لفظ «خردسال» است که تناسبی با سن خوانندگان کتاب ندارد. خردسال به اطفالی اطلاق باید بشود که در سنین هفت تا ده یا دوازده سالگی هستند و روشن است که این کتاب برای آنان نیست. این کتاب را آنان می‌خوانند که پا به سنی در حدود پانزده سال گذاشته باشند. درین صورت بهتر آن بود که لفظ نونهالان یا نوجوانان برای کتاب برگزیده شده بود.

مرا نمی‌سزد که بر نثر خوش عبارت لطیف دوستم که در نوشتن زبردست است و درست نویسی را آیین خویش می‌داند خرده‌ای بگیرم و نکته‌یابی کنم. اما اگر بگذارم و بگذرم خوانندگان را تصور آن خواهد بود که رعایت دوستی کرده‌ام. ناچار چند نکته‌ای را چاشنی این یادداشت می‌کنم.

- «همه جا سنگ خشک و برهنه و آب بود» صفت خشک برای سنگ برهنه زائدست (ص ۳).

- به کار بردن اصطلاحات، نادرست «افسر» (ص ۳)، «آرتش» (۴۷۲) و «خلبان» (ص ۴۷۰) اگرچه مصطلح شده در چنین نثری پسندیده نیست.

- وقتی از «کره زمین» سخن می‌رود لفظ «همه» زائد خواهد بود (ص ۳).
 - «به آشیانه‌های پرندگان دستبرد می‌زدند و تخم آنها را خام خام می‌خوردند، زیرا آتش نداشتند که آنها را بپزند» به جای «آنها» ی دوم باید «آن» استعمال کرد (ص ۱۰).

- استعمال مطلق لفظ «قطار» به جای «ترن»، اگرچه در ایستگاه راه آهن شنیده می شود. درست نیست و بهترست که «قطار راه آهن» نوشته شود. (ص ۲۵، ۴۵۵) و مترجم عزیز خود در ص ۴۸۸ همین اعتقاد را داشته است.
- «در چنین خاکی کاشتن خرما و گندم و چیزهای دیگری که به کار خوراک آدمی می آید، بسیار آسان است» به جای «چیزها» لفظ گیاهان متناسب ترست. (ص ۲۷)
- «این گونه خط تصویری نامیده می شد» چون امروزه خط مصریان قدیم را تصویری می گوئیم پس «می شود» درست تر خواهد بود. (ص ۲۹)
- در جایی که از کشف خط هیروگلیف سخن می رود آمده است که مردی اتفاقاً دوباره کشف کرد که چگونه خطوط تصویری را بخواند. «اطلاق دوباره» برای کشف خط هیروگلیف زائدست چراکه فقط یک بار کشف شد (ص ۳۱)
- به جای «خاک کنی» «زمین کنی» بهترست (ص ۱۱۰)
- «این بت ها را چندین سر یا چندین بازو... بود» در این جا قطعاً منظور دست است نه بازو.
- غالباً در جمع غیر ذوی العقول فصل ها مفرد می آید و گاهی به صورت جمع مثلاً در ص ۱۰۱، «اما در پایان این جنگ طولانی و خونین هر دو شهر کوفته و فرسوده شدند.»
- «کوه های آلپ بزرگ ترین و بهترین دیواری بود...» به جای «بود» باید «است» نوشت. (ص ۱۷۳).
- «وقتی مردی سکه ای بسیار کهنه پیدا کرد که بر آن تاریخ صد بیش از میلاد نوشته شده بود»، برای مسکوکات لفظ ضرب لغتی متناسب تر و مصطلح تر از «نوشته» است.
- در ذکر از «فرانک ها» لفظ «قوم» دقیق تر و صحیح تر از «قبیله» است (ص ۲۲۲)
- «تخم این دانه ها همان قهوه بود» (ص ۲۵۰) قهوه بوته ای است که دانه های میوه آن خوردنی است، پس «تخم این میوه یا گیاه» باید نوشت.

- از این رو قرآن هرگونه نوشیدنی الکلی دار را بر مسلمانان حرام کرده است (ص ۲۵۱). ظاهراً از «الکل دار» منظور «سکرآور» است.
- «و هر مرد چهار زن می تواند داشته باشد، لازم بود که لفظ [عقدی] پس از کلمه زن از طرف مترجم افزوده می شد. (ص ۲۵۴)
- به جای «ماشین های مانند فلاخن، کلمه «منجنیق» را باید استعمال کرد. (۱۷۴)
- لفظ «میز» برای آن چیزی که بر روی قبر می گذارند مناسب نیست در اصطلاح آن را «صندوق» می گویند. (ص ۲۸۴)
- «پولو» شهرت برادران ونیزی است نه «نام» آنها. (ص ۳۱۱).
- «کارهای میکال آنژ زور و نیرو یعنی صفاتی که شایسته مرد است نمودار می ساخت»، درین جمله «را» افتاده است. (ص ۳۵۵)
- «متفکری بزرگ بود و چراغی و کوره ای اختراع کرده است و در جریان طوفانی بادیادکی به هوا فرستاد و موفق شد که...» بهتر آن است که جمله چنین باشد: «... اختراع کرد و...». (ص ۴۰۴)
- «نیتشان خوب بود. اما مانند همه مردمان خوش نیت عقل سلیم نداشتند.» هیچ منطقی نیست که همه خوش نیتان از عقل سلیم محروم باشند و محتمل است که در اصل به جای «همه» لغت دیگری به کار رفته باشد. (ص ۴۱۱)
- در نقل اسماء فرنگی شاید مناسب آن است که صورت مشهور و متداول آنها را نقل کنیم نه تلفظ غلیظ و مشکل امریکایی را مثل «لینکن» که در میان فارسی زبانان به لینکلن شهرت دارد یا «ملک آرثر» که هزاران بار «ملک آرتر» نوشته و خوانده شده است و مترجم عزیز ما نیز در محاوره روزانه و خواندن روزنامه آن را به همین شکل اخیر استعمال می کند. (ص ۴۲۷) و (ص ۴۷۷).
- لازم بود که معنای بعضی از لغات نادر و مهجور فارسی که درین ترجمه آورده شده است به دست داده می شد. مانند «ماغ» (ص ۴۲۴) و بالعکس آوردن معنای «بیگار» چندان لزومی نداشت.

- بیان و وصف بعضی از نام‌ها و مفاهیم فرنگی برای نوجوان فارسی زبان نیز لازم بود، مانند «افسانه‌های ازوب» (ص ۴۳۷)
- در ص ۴۴۱ به جای «پول» آوردن لفظ «گرامت» بسیار بهتر است.
- انجمنی که پس از جنگ بین‌الملل نخستین بنیاد گذاشته شد در زبان فارسی به نام «جامعه ملل» شهرت دارد نه «اتفاق ملل» (ص ۴۵۶)
- در ص ۴۶۸، از نخست وزیر انگلستان نام می‌رود او را «رهبر مجلس» می‌خواند. این درست نیست، چرا که وی «رهبر اکثریت مجلس» یعنی حزبی است که در مجلس دارای اکثریت است.
- در ص ۴۸۰ می‌نویسد: «اما دو کار اشتراکیان مایه رنجش بسیار دیگر کشورها گردید» ولی به جز یک کار که غیرقانونی کردن مذهب مسیح است کار دیگری ذکر نشده است.
- در همین صفحه روش سیاسی و فکری اشتراکیان مذهب و آیین مسیحیت هم مذهب خوانده می‌شود و به جا بود اولی «مذهب» و دومی «دین» شمرده می‌شد.
- در همین صفحه «موزه‌ها» را «نمایشگاه‌های ثابت» می‌نویسد و بهتر است که آنها را «نمایشگاه‌های دائمی» خواند.
- جانداران ریز و مرگزا که در شیر هستند با «گرم کردن» شیر از میان نمی‌روند شیر را باید «جوشانید» تا سبب مرگ آنها شد. (ص ۴۸۹)
- اثری را که از فرو رفتن سوزن تزریق در بدن ایجاد می‌شود «خراش» نمی‌توان گفت (ص ۴۸۹)*

درباره کتاب تاریخ جهان برای خردسالان از طرف مجله یغما نیز شرحی نوشته شده که چون آقای ایرج افشار به شرح و بسط تمام داد سخن داده‌اند دیگر مجالی برای درج آن نمی‌ماند.

*. نمونه «ترجمه بد» بقیه این مقاله، در شماره بعدست (مجله یغما)

سفرنامه ابن بطوطه

و نکات انتقادی آقای ایرج، از ارزش این کتاب بسیار نفیس نمی‌کاهد، همچنان که انتقادات آقای دکتر مصطفی مقربی از ارزش کتاب سفرنامه ابن بطوطه ترجمه جوان دانشمند دکتر محمدعلی موحد. این دو کتاب بسیار ارجمند یعنی سفرنامه ابن بطوطه (از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب) و تاریخ جهان برای خردسالان به قدری خوب و دقیق و صحیح ترجمه شده که برتر از آن ممکن نیست. بی‌شبهه اگر به شماره انگشتان دست در این اواخر کتاب خوب طبع و نشر شده باشد این دو کتاب از آن تعداد است.

به خوانندگان خود توصیه می‌کنیم که حتماً این دو کتاب را تهیه کنند که از این هر دو بهره تمام برخواهند گرفت.

